کوتاه از دیپلماسی

با رعایت پروتکل‌های بهداشتی

صدوششمین سالگرد نسل‌کشی ارامنه در تهران برگزار شد

● **ایسنا:** روز گذشته صدوششمین سالگرد نسل‌کشی ارامنه در کلیسای سرکیس مقدس تهران برگزار شد. اسقف اعظم سیبوه سرکیسیان و تعداد معدودی از نمایندگان جامعه ارمنی در این مراسم حضور داشتند که ضمن ایراد سخنرانی، با حضور در محل بنای یادبود شهدای نسل‌کشی سال ۱۹۱۵ یاد آنان را گرامی داشتند. همچنین بیانیه‌ای از سوی هیئت برگزارکننده مراسم یکصدوششمین سال‌روز نسل‌کشی ارامنه (منتخب شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران) قرائت شد. با توجه به شرایط همه‌گیری ویروس کرونا امسال تمامی برنامه‌های مربوط به این مناسبت برگزار نشده و تنها با حضور تعداد معدودی از نمایندگان جامعه ارمنی در کلیسای سرکیس مقدس این مراسم با رعایت پروتکل‌ها برگزار شد.

عراقچی امروز در کمیسیون امنیت ملی مجلس

● **ایرنا:** سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی از جلسه فوق‌العاده فردای این کمیسیون با حضور معاون سیاسی وزارت امور خارجه خبر داد. ابوالفضل عمویی در جمع خبرنگاران درباره نشست امروز کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، گفت: «در این جلسه فوق‌العاده از «عباس عراقچی» برای توضیح روند گفت‌وگوهای وین دعوت شده است. هیئت‌های مذاکره‌کننده وین پس از مشورت در پایتخت‌های متبوع خود، این هفته با ازسرگیری نشست کمیسیون مشترک برجام، گفت‌وگوهای فنی و کارشناسی را دنبال می‌کنند.

ظریف به قطر و عراق می‌رود

● **ایسنا:** سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه، از سفر امروز محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در رأس هیئتی به قطر و عراق خبر داد. براساس اعلام سخنگوی وزارت امور خارجه، سفر به دو کشور قطر و عراق در چارچوب توسعه مناسبات فی‌مابین، گفت‌وگوهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای انجام می‌شود و وزیر امور خارجه ایران در هر دو کشور با مقامات عالی‌رتبه آنها دیدار و تبادل نظر خواهد داشت.

واکنش انصارالله به حرف‌های رستم قاسمی

این اظهارات برای تحریک کشورهای خلیج فارس است

● **ایسنا:** عضو شورای عالی سیاسی جنبش انصارالله یمن به اظهارات اخیر رستم قاسمی درباره کمک‌های ایران به این کشور واکنش نشان داد. محمدعلی الحوثی، در گفت‌وگو با بخش عربی خبرگزاری اسپوتنیک در واکنش به اظهارات اخیر رستم قاسمی، کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «این اظهارات تنها برای تحریک کشورهای خلیج [فارس] است». وی تأکید کرد: «چه‌بسا این اظهارات قاسمی تحریکی برای کشورهای خلیج [فارس] برای ورود به جنگ مستقیم با آنان است، به اعتقاد من این اظهارات تنها برای تحریک است».

هیئت اسرائیلی برای مقابله با برجام راهی واشنگتن شد

● **ایسنا:** اسرائیل گروهی را برای مقابله با احیای برجام به آمریکا اعزام می‌کند. به گزارش اسپوتنیک، مقام‌های اسرائیلی اعلام کردند که یک هیئت اسرائیلی مأمور شده است که مخالفت اسرائیل با احیای برجام و خودداری از مذاکره بر سر مفاد این توافق‌نامه را به اطلاع مقامات واشنگتن برساند. در نشستی در روز پنجشنبه، نتانیاهو مواضع خود را با اعضای هیئت نمایندگی اسرائیل مطرح کرد. نتانیاهو تأکید کرد که اسرائیل با شروط توافق هسته‌ای موافقت نخواهد کرد و اسرائیل براساس منافع امنیت ملی خود عمل می‌کند.

سخنگوی کاخ سفید:

مخالفت اسرائیل تأثیری بر موضع واشنگتن در قبال برجام ندارد

● **ایسنا:** سخنگوی کاخ سفید گفت که واشنگتن مقامات اسرائیل را در جریان مذاکرات وین برای احیای توافق هسته‌ای قرار داده است. جن ساکی در نشست خبری هفتگی خود در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه «آیا مخالفت اسرائیلی‌ها با تلاش‌های دولت آمریکا برای بازگشت به توافق هسته‌ای تأثیری بر موضع واشنگتن برای پیوستن مجدد به این توافق دارد؟»، گفت: «خیر اما باید بگویم مذاکراتی که اکنون در جریان است، به‌صورت غیرمستقیم برای رسیدن به مسیری دیپلماتیک در جهت یک توافق جدید انجام می‌شود». بنابر گزارش وب‌سایت رسمی کاخ سفید، جن ساکی ادامه داد: «ما می‌دانستیم که (این مذاکرات) چالشی خواهد بود و از اینکه هنوز گفت‌وگوهایی میان تمام طرف‌ها در جریان است، خرسند هستیم». وی همچنین گفت: «ازآنجایی‌که به اسرائیل مرتبط است، ما آنها را به‌عنوان یک شریک کلیدی در این رایزنی‌ها در جریان اهداف خود قرار داده‌ایم و در آینده نیز به این کار ادامه خواهیم داد».

شکنجه ۲ شهروند ایرانی توسط مرزبانان ترکیه

یکی از ۲ ایرانی بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داده است

شرق: اتفاقی که ظاهرا حدود ۱۰ روز پیش رخ داده، در یکی دو روز گذشته افشا شد و به صحنه رسانه‌ها راه پیدا کرد. حادثه‌ای تکان‌دهنده که ظاهرا در اواخر فروردین رخ داده است اما تا اوایل اردیبهشت ناشنیده مانده بود. سربازان ترکیه دو شهروند ایران را که در مرز چالدران بین دو کشور دستگیر کرده بودند، به‌شدت شکنجه و سپس رها کردند تا یکی از آنها، حسن کچلانلو، بر اثر صدمات وارده جان خود را از دست دهد و دیگری، بهنام صمدی، در اتفاقی معجزه‌گونه از این مهلکه جان به در برد. به گزارش عصرایران، این خبر اولین بار و بعد از گذشته چند روز از حادثه به شکل خبر کوتاهی اوایل اردیبهشت‌ماه در یک رسانه کردزبان منتشر شد. دیروز، بهرام صمدی، برادر بهنام صمدی در گفت‌وگو با روزنامه‌ای توضیح داده که بهنام بعد از گریختن از صحنه قتل همراهش، بر اثر شدت جراحات وارده در بیمارستانی در خوی بستری شده است. در این مصاحبه و در گزارش‌ها مشخص شده است که سربازان ترکیه با چاقو و چماق به ضرب و شتم، آزار جسمی و حتی جنسی این دو شهروند ایرانی پرداخته‌اند. برخی رسانه‌ها در گزارش‌های خود این دو شهروند را کولبر معرفی کرده‌اند اما برخی منابع دیگر می‌نویسند این ترکیه بوده است که این دو نفر را کولبر خوانده تا بتواند اتهام قاچاق به آنها بزند و از این راه بهانه‌ای برای برخورد مأموران خود با این دو نفر دست‌وپا کند. برادر بهنام صمدی نیز گفته است که این دو نفر کولبر نبوده‌اند و تنها برای پیداکردن شغل به‌عنوان گچ‌کار و چوپان راهی آن منطقه شده بودند. گزارش‌ها حاکی است، برخی از کولبران منطقه در پی این حادثه گفته‌اند تجربه‌هایی از برخورد خشونت‌آمیز مأموران مرزی ترکیه داشته‌اند، اما درعین‌حال اتفاقی به شدت این حادثه را هیچ‌کدام ندیده و نشنیده بودند. در پی این حادثه همچنین اعلام شد که وزارت خارجه ایران یادداشتی اعتراضی به سفارت ترکیه در تهران فرستاده است که خواستار پیگیری موضوع و مجازات عاملان این جنایت و نیز پیشگیری از این‌گونه اقدامات غیرانسانی شده است. سرکنسولگری ایران در ارزروم نیز در تماس با مقامات محلی پیگیر این ماجراست و بناست پیگیری‌های حقوقی و کنسولی برای شناسایی و مجازات مرتکبان ادامه یابد.

چرا مذاکرات ایران و آمریکا غیرمستقیم است؟

روح‌اله نخعی: این سؤالی است که این روزها مدام در شبکه‌های اجتماعی تکرار می‌شود، نه‌تنها از زبان کاربران عادی بلکه از سوی برخی از کسانی که از دور و نزدیک دستی بر آتش سیاست دارند. چرا ایران و آمریکا درباره موضوعی که عمدتا بین این دو است، غیرمستقیم گفت‌وگو می‌کنند؟ چرا وقتی اصلی‌ترین اتفاقی که بناست بیفتد اقداماتی از سوی ایران و آمریکا، از بین همه بازیگران متعدد شرقی و غربی که در وین این چند هفته را گرد هم آمده بودند، تنها این دو کشور باهم صحبت نکرده‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است به بستر مذاکرات برجامی به‌طورخاص، رابطه ایران و آمریکا به‌طور ویژه و ساختار تعاملات بین‌المللی به‌طور کلی نگاهی بیندازیم. در همین شروع ماجرا البته لازم است دقت شود که ملاحظه اصلی یا به عبارتی مخالفت اصلی برای مذاکره مستقیم بین ایران و آمریکا از سوی ایران است اما چرا ایران حتی در این شرایط حاضر نیست رودررو و حتی در یک جلسه چندجانبه با حضور آمریکایی‌ها بنشیند؟

اهمیت سابقه و معنای مذاکرات برجام

ما در برجام با فرایندی مواجه شدیم که در آن، طرف ایرانی، مذاکرات مفصلی را با حضور چندین قدرت جهانی و با تأیید نهادهای بین‌المللی پیش می‌برد و به نتیجه می‌رساند و در ادامه تعهدات خود را نیز رعایت می‌کند اما باز کار به تحمیل هزینه به ایران می‌رسد. ساختارهای بین‌المللی نیز کار چندانی از پیش نمی‌برند، جز اینکه البته در نتیجه همین توافق، خود همراه آمریکا نمی‌شوند و همین امتیاز عدم شکل‌گیری اتحاد علیه ایران در دست تهران می‌ماند. اگر ایران به خواست آمریکا برای مذاکره مستقیم در شرایطی که این اقدامات از سوی آمریکا انجام شده تن دهد، رسما این سابقه را بنا خواهد نهاد که نتیجه توافق با ایران، حتی اگر بعد از چندین سال مذاکره به تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز رسیده باشد، به‌راحتی زیرپاگذاشتنی است و طرفی که توافق را زیر پا گذاشته به خواسته خود هم خواهد رسید. حضور آمریکا پای میز مذاکره برجام بعد از خروج، بدون هیچ اقدامی در راستای جبران آن تصمیم و بازگشت به توافق نیز عملا مذاکرات و توافق برجام را از معنا تهی می‌کند. اگر ایران این را بپذیرد، رئیس‌جمهور بعد از بایدن و بلکه دیگر بازیگران برجام چه دلیلی خواهند داشت که در وهله بعدی دوباره همین مسیر را تکرار نکنند؟ در صورت پذیرش چنین سابقه‌ای، ایران رسما این روند را در تعاملات با خود خواهد پذیرفت و هزینه آن، به‌مراتب سنگین‌تر از وضعیت فعلی خواهد بود.

آیا مذاکره به خودی خود امتیاز است؟

برخی اما این سؤال را این‌گونه مطرح می‌کنند: مگر مذاکره به خودی خود چه امتیازی است؟ اولین پاسخ به این سؤال این است که در صحنه بین‌المللی مذاکره به‌خودی‌خود نیز یک اتفاق مهم و یک گام در راستای تغییر مسیر و صحنه تعامل است. همین روزها رسانه‌های ایرانی و غیرایرانی پر شده‌اند از اخبار مذاکرات غیرعلنی، اعلام‌نشده و حتی تکذیب‌شده بین ایران و عربستان سعودی. چند سال پیش و در دیدار و مذاکرات بین ایالات متحده و کره شمالی و مذاکرات دو کره هم دیده شد که لزوما به نتیجه‌ای نرسید اما ذات وقوعش به‌عنوان تحولی مهم تیتر یک رسانه‌ها را فتح کرد. مذاکرات ایران با طالبان، مذاکرات چین با آمریکا و بسیاری مذاکرات دیگر در سال‌ها و ماه‌های اخیر نیز همین‌قدر خبرساز شده‌اند. در دنیای سیاست، اینکه دو طرف در مقابل هم بنشینند، هیچ‌وقت بی‌معنا نیست، به‌خصوص اگر در نتیجه تقابلی باشد که در آن، یکی از دو طرف شکل‌گیری مذاکره را به‌عنوان خواسته خود مطرح کرده باشد.

ریسک مذاکره مستقیم چیست؟

اما با تمام این وجود، آیا مذاکره به‌جز این روایت نسبتا ظاهری ریسک دیگری هم داشت؟ البته! هیچ تضمینی نیست که ایران و آمریکا در این مرحله بتوانند به توافقی درباره اختلافاتشان برسند. تا پیش از دولت بایدن، با وجود همه فشارها، اتفاق نظر دیگر بازیگران این بود که ایران کم‌وبیش هنوز در صحنه دیپلماسی برجامی حاضر بوده و این طرف آمریکایی با ریاست‌جمهوری ترامپ بوده است که حاضر به رعایت قواعد و تن‌دادن به دیپلماسی نیست. به همین خاطر نیز، اگرچه این بازیگران دیگر، نتوانستند کار چندانی به سود ایران پیش ببرند، لااقل با آمریکا همراه هم نشدند و چه در صحنه برجام و چه در صحنه شورای امنیت سازمان ملل متحد، علیه خواست آمریکا موضع گرفتند. اکنون با آمدن دولت بایدن که تعامل دیپلماتیک بهتری با دیگران دارد، ایران وارد صحنه مذاکره شود، به خواسته‌های یک‌طرفه در قبال بازگشت به توافقی که پیش‌تر امضا شده تن ندهد و طرف مقابل هم پافشاری کند، تهران این امتیاز مهم را از دست خواهد داد و به‌عنوان طرفی معرفی می‌شود که در مقابل دیپلماسی مقاومت نشان می‌دهد، همین دوباره می‌تواند اتحادی را علیه ایران شکل دهد که شکل‌نگرفتنش در دوران ترامپ، از معدود امتیازات ایران بود. دیپلمات‌های ایرانی در صورت طی‌شدن چنین روندی، احتمالا از عهده تقبل هزینه آن در صحنه سیاست داخلی هم برنخواهند آمد.

بی‌اعتمادی احیاشده و یخی که هنوز آب نشده بود

اما آیا همه این نگاه‌ها بدبینانه نیست؟ البته که هست، اما این بدبینی فاقد پایه و اساس نیست. واقعیت این است که ایران و آمریکا، به هر دلیل دهه‌ها دوران بی‌اعتمادی متقابل را تجربه کرده بودند، درحالی‌که بسیاری در دو کشور و در طرف‌های ثالث، این بی‌اعتمادی را مانعی بیجا می‌دانستند. در فرایند منتهی به برجام، طرف ایرانی به این ریسک تن داد که این بی‌اعتمادی مطلق را تا حدی کنار بگذارد و در فرایندی که البته بر پایه اعتماد بنا نشده است، حاضر به تعامل مستقیم با طرف آمریکایی شود. نتیجه این تصمیم در وهله اول موفقیتی بی‌سابقه و تمجیدشده بود که اولین گام‌ها را در تغییر الگوی روابط مهیا کند. اما این رابطه بدسابقه و پرتردید با توفانی به نام ترامپ، پیش از آنکه شکل بگیرد در هم شکست و تجربه هم نشان داد که چنین اتفاقی ضربه خود را وارد خواهد کرد. طبیعی است که طرف ایرانی این‌بار حتی بیشتر از مرتبه قبل دراین‌باره محتاط باشد.

آیا گفت‌وگوی مستقیم ممکن نیست؟

در چرایی موفقیت برجام، بسیاری ناظران اشاره کرده بودند که حضور محمدجواد ظریف به‌عنوان وزیر خارجه دولت حسن روحانی در یک‌سو و جان کری به‌عنوان وزیر خارجه باراک اوباما در سوی دیگر، واقعا اثرگذار بوده است. علت این ماجرا، شناخت و درک متقابلی بود که دو طرف آن داستان از یکدیگر داشتند و عین مخالفت و تقابل، متوجه مواضع هم بودند و از جدیت طرف مقابل در این گفت‌وگو خبر داشتند. چنین وضعیتی بین دولت روحانی و بایدن غیرممکن نیست، به‌خصوص که بسیاری از حاضران تیم دیپلماسی بایدن مستقیما درگیر مذاکرات منتهی به برجام بوده‌اند. اگر فرایند احیای توافق در وین موفقیت‌آمیز به پایان برسد، آمریکا به‌عنوان یکی از اعضای برجام پای میز مذاکرات کمیسیون مشترک برجام خواهد نشست و راهی که در دوران اوباما کلید خورد، اگرچه از چندین گام عقب‌تر، دوباره قابل پیگیری خواهد بود. درعین‌حال اگر چنان‌که پیش‌بینی می‌شود، اصولگرایان با رویکرد آشکارشان به دیپلماسی ریاست‌جمهوری را در ایران به دست بگیرند، احتمالا همین گفت‌وگوهای برجامی وین آخرین تعامل جدی و مثمرثمر بین دو طرف تا اطلاع ثانوی، شاید تا بعد از پایان دولت بایدن خواهد شد.

به بهانه سفر وزیر خارجه پاکستان به تهران

ادامه از صفحه اول

اینکه در شرایط فعلی موضوع مورد نظر وزیر خارجه پاکستان دارای ظرفیت‌های مشابه در چهار کشور یادشده باشد، قابل بحث است ولی به نظر می‌رسد که وزیر خارجه پاکستان با اشاراتی که در اظهارات خود درباره اسلام‌هراسی در غرب و تشدید احساسات ضداسلام و لزوم حرکت مشترک در یک جبهه واحد برای مقابله با این پدیده داشت، شاید هدف اصلی و علت تلاش برای رفع نگرانی فزاینده‌ای را که پاکستان این روزها در روابط بین‌المللی خود پیدا کرده است، عیان کرد.

از چندین ماه قبل و به دنبال انتشار کاریکاتور توهین‌آمیز مجله فکاهی شارلی ابدو در فرانسه علیه پیامبر اسلام(ص) و متعاقب تحولات داخلی و بین‌المللی علیه فرانسه و حمایت علنی آقای امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، از اصل کاریکاتور که به‌نوعی تأیید حرکت شارلی ابدو تلقی شد، پاکستان شاهد تحرکات وسیع و بی‌سابقه اعتراضی علیه فرانسه و مواضع رئیس‌جمهور آن کشور بوده که طی آن درخواست اخراج سفیر فرانسه از اسلام‌آباد و تحریم کالاهای فرانسوی از سوی برخی گروه‌های اسلام‌گرای تندرو پاکستانی ازجمله حزب تحریک- لبیک مطرح شد. حزب یادشده که اخیرا و در سال ۲۰۱۵ توسط خادم حسین رضوی، از صوفیان افراطی و مخالف ارتداد و کفرگویی، تأسیس شده است در ماه‌های اخیر و به‌ویژه پس از دستگیری رهبر جدیدش، سعد حسین رضوی، فرزند مؤسس مرحوم این گروه که پس از مرگ پدر جانشین او شد و اعلام غیرقانونی‌بودن فعالیت‌های این حزب در چارچوب قانون مبارزه با تروریسم در پاکستان، هر روز بر دامنه اعتراضات و تظاهرات مختلف در شهرهای بزرگ پاکستان از جمله لاهور، کراچی و راولپندی افزوده شده و تظاهرکنندگان با مسدودکردن راه‌های ارتباطی این شهرها با پلیس و نیروهای امنیتی نیز درگیر شده‌اند که تاکنون تعداد زیادی از طرفداران این حزب و افرادی از نیروهای پلیس و امنیتی پاکستان کشته و براساس گزارش‌های واصله بیش از ۱۰ نفر از نیروهای پلیس ازسوی تظاهرکنندگان در شهر لاهور، مقر این حزب، به گروگان گرفته شده و در مسجد شهر محبوس هستند.

فشارهای مخالفان روابط با فرانسه در پاکستان طی هفته‌های اخیر و مواضع آقای مکرون، در حدی بوده است که ظاهرا دولت پاکستان را علی‌رغم مخالفت وزارت خارجه آن کشور ناچار کرد که به شرط بازگشت آرامش به شهرها و دست‌کشیدن حزب تحریک از اغتشاشات شهری، موضوع اخراج یا عدم اخراج سفیر فرانسه در اسلام‌آباد را به رأی پارلمان این کشور موکول کند. هرچند ظاهرا براساس قانون، مصوب پارلمان در این خصوص الزامی برای دولت جهت اجرای آن به وجود نمی‌آورد و دولت می‌تواند آن را نادیده بگیرد.

درهمین‌حال ناآرامی‌ها و بسیج افکار عمومی در پاکستان به حدی رسیده است که هفته گذشته عمران‌خان، نخست‌وزیر این کشور، ناچارا در یک اظهارنظر دو سویه، در حمایت از برخوردهای نیروهای امنیتی با شورشیان خیابانی و اعلام اینکه حزب یادشده را نه به خاطر اهداف بلکه به‌دلیل روش‌های اجرائی آن ممنوع اعلام کرده و هیچ‌کس در پاکستان نمی‌تواند خود را بالاتر از قانون و قانون اساسی قلمداد کند، از نظم و قانون در این کشور دفاع کرده و از سوی دیگر خاطرنشان کرد که کشورهای غربی باید کسانی را که به پیامبر اسلام اهانت می‌کنند و باعث رنجش احساسات مسلمانان می‌شوند، مانند انکارکنندگان کشتار یهودیان مورد مجازات قرار دهند.

درهمین‌حال پاریس به‌دنبال تحولات اخیر و فشارهای داخلی بر روابط دو کشور که پس از انتشار کاریکاتور شارلی ابدو و برخلاف سایر کشورهای اسلامی در مدت‌زمان طولانی در پاکستان ادامه یافته است، از عملکرد دولت اسلام‌آباد در مهار نارضایتی‌ها علیه فرانسه دچار مشکل بوده و درپی تشدید اعتراضات خیابانی و نگرانی‌های امنیتی، از اتباع فرانسوی مقیم پاکستان که ظاهرا حدود ۸۰۰ نفر هستند خواسته است که موقتا پاکستان را ترک کنند و متعاقبا نیز ۱۵ نفر از دیپلمات‌های مقیم خود در پاکستان را از این کشور فراخواند.

از طرفی موضوع توصیه به خروج فرانسوی‌ها از پاکستان، به‌شدت مورد اعتراض افکار عمومی و محافل سیاسی فرانسه قرار گرفته و از اینکه سیاست‌های الیزه طی سال‌های اخیر به‌کرات باعث خدشه‌دارشدن روابط فرانسه با کشورهای اسلامی و خروج فرانسوی‌ها از این کشورها شده ناراضی هستند. درهمین‌حال رسانه‌های فرانسوی نیز در مقابل درخواست‌های مطرح‌شده در پاکستان برای اخراج سفیر این کشور از اسلام‌آباد، موضوع تعطیلی سفارت پاکستان در پاریس که پس از ماجرای کاریکاتور فاقد سفیر است و اخراج کلیه اتباع پاکستانی مقیم فرانسه را که بالغ بر ۱۳۰۰ نفر هستند، مطرح کرده‌اند.

دیپلماسی فرانسه در منطقه غرب آسیا در دهه‌های اخیر در زمینه تنظیم مناسبات با هند و پاکستان به‌عنوان دو کشور دارنده سلاح هسته‌ای در این منطقه و خارج از نظارت‌های بین‌المللی، از سال ۱۹۹۸ نوعی مشارکت استراتژیک با هند و مناسبات قراردادی با پاکستان را در دستور کار قرار داده است. از اوایل سال‌های ۲۰۱۰، پاریس و اسلام‌آباد زیرساخت‌هایی را برای همکاری در زمینه‌های نظامی و به‌خصوص در بخش هوایی و دریایی برای خود ایجاد کرده و اگر در نظر داشته باشیم که فرانسه موضوع تعمیر نگهداری زیردریایی‌های آگوستا و هواپیماهای میراژ سه و پنج پاکستان را بر عهده دارد و فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور سابق این کشور، با اتمی‌شدن پاکستان در مقابل هند دارای سلاح هسته‌ای موافقت کرده بود، کیفیت و اهمیت مناسبات پاریس و اسلام‌آباد از منظر پاکستان بیشتر درک خواهد شد و طبیعی خواهد بود که اسلام‌آباد تمامی تلاش خود را برای محفوظ نگه‌داشتن این روابط از هرگونه گزندی که ممکن است همسایه هندی‌اش از آن بهره‌برداری کند، اجتناب کند.

فارغ از اینکه با چگونه برداشتی از تحولات داخلی و فعلی پاکستان و احتمال اثرپذیری خارجی این تحولات که مستقیما ضربه‌زدن و مخدوش‌کردن روابط پاریس- اسلام‌آباد را هدف‌گذاری کرده و این مقصود می‌تواند با منافع و همراهی کشورهای معارض پاکستان در همسایگی‌اش در منطقه نیز همسو بوده باشد یا نه، یادآوری این نکته ضروری است که گروه کثیری از مسئولان پاکستانی و تحلیلگران سیاسی این کشور از سال‌های قبل هوادار تقویت و گسترش روابط اسلام‌آباد- پاریس بوده تا از این رهگذر، از یک‌سو وابستگی مالی و نظامی پاکستان به چین و آمریکا کاهش یابد و از سوی دیگر باعث ایجاد تعادلی در مناسبات استراتژیک هند و فرانسه شود که همواره برای پاکستان به‌منزله هشدار و خطر در مناسبات منطقه‌ای تلقی می‌شود.

با این اوصاف، سفر وزیر خارجه پاکستان در شرایط ناآرام داخلی این کشور به تهران و سایر پایتخت‌هایی که از منظر دیپلماسی اسلام‌آباد می‌توانند در همراهی و کاستن از آلام و گرفتاری‌های این کشور که خواسته و ناخواسته توسط گروهی تندرو داخلی بر مناسبات خارجی پاکستان سایه افکنده و می‌رود تا این کشور را در آستانه تحولات قابل‌توجه منطقه‌ای و همسایگی‌های آن کشور، دچار نابسامانی‌های ایذایی کند، قابل‌تأمل و ریشه‌یابی است و لاجرم فرصتی را فراهم آورده است که توانایی‌ها و استعدادهای منطقه‌ای و ذاتی جمهوری اسلامی ایران در خدمت دیپلماسی کشور قرار گیرد تا در این فرصت و بدون تعارفات دیپلماتیک راهگشای مشکلات عدیده‌ای باشد که سال‌هاست گریبان روابط تهران و اسلام‌آباد را گرفته و مانع از بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه دو کشور همسایه و همراه دیروز و شریک در منافع فردای منطقه می‌شود.

ادامه از صفحه اول

چه نباید کرد؟

۶- در برخوردهای نظامی باید خط قرمزِ تنش برای نظامیان روشن باشد. مقامات رسمی نظامی باید بدانند که در عین نشان‌دادن شجاعت، دلیری و بی‌باکی خود به جهانیان برخی عبارت‌ها و جملات را نباید بگویند. چون همان عبارت‌ها ممکن است ابزار بهانه‌جویی حقوقی دشمن بشود. فهرستی از نباید کردها، نباید زدها و نباید گفت‌ها را باید به آنها داد.

۷- نباید برای کنش بین‌المللی عجله کرد به‌ویژه آنگاه که دامنه انتخاب محدود است. گاهی فرسایش زمانی بهتر از تصمیم‌های ناگهانی است. آنگاه که بازی به‌غایت پیچیده است و گزینه‌ای هم نداریم دیپلماسی «شاهنامه‌خوانی» (یا بیانیه‌خوانی) به کار می‌آید. هم‌زمان باید به خود پرداخت و اسباب «ترهبون بِه» فراهم کرد. آنگاه که رقیبان یا دشمنان راهِ راه‌حل را بسته‌اند عجله نکنیم و استراتژی «افزایش قدرت» در ابعاد مختلف را در پیش بگیریم. پس از آن است که می‌توان گریزگاهی یافت: غنی‌سازی ۶۰ درصد جواب می‌دهد.

۸- نباید اسیر حاشیه‌سازی‌های اسرائیل در موضوع برجام شد. اقدامات تخریبی اسرائیل نباید تنش را به سطح اتمی یا درگیری طولانی‌مدت در تنگه هرمز بکشاند؛ گرفتاری چینی‌ها در این تنگه بیشتر است! ابزارهایی که ما داریم متنوع‌اند. از آن ابزارها باید استفاده کرد. تنگه هرمز بیش از آنکه برای آمریکا مهم باشد اینک برای چین و آسیای دور مهم‌تر شده است.

۹- نباید کشورهای دیگر به جمع ۱+۵ اضافه شوند. «بازی شلوغ می‌شود» و تصمیم‌گیری ناممکن. به همین دلیل نباید موضوعات دیگر را به برجام افزود.

۱۰- روابط بین‌المللی شبکه‌ای تارعنکبوتی است. وضعیت ژئوپلیتیک ایران منحصربه‌فرد است، ازاین‌رو تاریخ دیپلماسی ایران از قاجار تاکنون به‌صورت موازنه مثبت یا منفی نوسان داشته است. اغلب، موازنه که به هم می‌خورده تغییر رژیم یا دگردیسی در ماهیت رژیم رخ می‌داده است. ضدیت با آمریکا نباید کشور را اسیر شبکه روسی- چینی کند. پیش از این، در دیپلماسی هسته‌ای، رفتار این شبکه سرد را تجربه کرده‌ایم.

۱۱- نباید نمایندگان برجامی خود را در مذاکرات تخریب کرد. حد و مرزی برای اختلافات جناحی قائل شوید. گوشت هم را می‌خورید استخوان هم را دور نیندازید. افکار عمومی را در موضوع برجام نباید به «کودکان ریشوی تلویزیون» یا «مداحان » یا سخنرانان و مجریان بی‌تعهد، شهرت‌طلب و بی‌مسئولیت سپرد!

۱۲- نباید موشک‌ها بی‌موقع یا زودهنگام شلیک شوند؛ تهدید مهم‌تر از شلیک است. سرمایه سیاسی داخلی را نباید با سرمایه نظامی جایگزین کرد؛ هر یک به‌جای خود کارایی دارند.

آموزه‌ای از شطرنج و فوتسال:

در بازی شطرنج گاه وضعیتی پیش می‌آید که مهره‌ها در هم پیچیده‌اند، امکان حرکت و «مانور» مهره‌ها برای طرفین اندک است و انتخاب‌های محدودی برای ادامه حرکت وجود دارد. در چنین شرایطی باید بسیار صبورانه و با حرکت‌های محدود بازی کرد تا بتوان راه گریزی یافت. در بازی فوتسال نیز با توجه به کوچک‌بودن زمین، دو تیم نمی‌توانند در مجموع بیش از ۱۰ بازیکن داشته باشند. هرچه تعداد بیشتر شود بازی بیشتر گره می‌خورد و زمینه همکاری (پاس‌کاری) و بازی‌سازی (خلق فرصت‌های جدید) اندک می‌شود و امکان تک‌روی بازیکنان بیشتر می‌شود. پیش‌بینی‌ناپذیری افزون می‌شود و نقش تصادف و اتفاق و هرج‌ومرج بیشتر می‌شود. از افزایش بازیکنان و تک‌روی‌های سبکسرانه باید حذر کرد.

همه سخن این است:

در بحران‌های بین‌المللی آنگاه که گزینه‌ها کم شمارند به «نباید کردها» توجهی ویژه کنیم.

ستاد مقابله یا توسعه کرونا

حالا گویی ستاد کرونا با ارتکاب سیئه به پیشواز شب‌های قدر می‌رود، مگر آنکه بخواهند بگویند که اجتماعات شب‌های قدر زمینه شیوع بیماری نخواهد بود. آیا ستاد مقابله با کرونا با این نوع برنامه‌ریزی زمینه‌های شیوع بیماری را فراهم نمی‌کند؟ اینک ستاد مقابله با کرونا با کدام دلیل پزشکی یا مجوز شرعی دروازه‌های فاجعه کووید۱۹ را می‌خواهند گشاده‌تر کند. شک نیست مسئولان بهداشتی و ستاد کرونا می‌دانند که اجتماعات، خطر شیوع و توسعه بیماری را به‌شدت افزایش می‌دهد. آنها مردم را حتی از دورهمی‌های خانوادگی به‌شدت پرهیز می‌دهند. حال چه شده است که این ضوابط را خودشان فراموش کرده‌اند و اجتماعات آیین‌های محترم و عزیز قدر را که بسیار پرجمعیت‌تر از دورهمی‌های خانوادگی و پرازدحام است، مجاز کرده‌اند. این روش به هدف حفظ سلامت عمومی و جان مردم نمی‌رسد. پس دنبال کدام هدف‌اند به بهای جان‌های محترم؟ در یکی از دستورالعمل‌های ستاد کرونا آورده بودند که اگر عابران پیاده ماسک نزنند، جریمه خواهند. جریمه تصمیماتی که در دوران شیوع کرونا گرفته می‌شود چیست و چه کسانی باید آن را بپردازند.

بگذارید برات شب قدر را در سلامت بستانیم.